

استوار باد وحدت رهبری و سازمانی حزب کارگر ایران

پنجسال از وحدت رهبری و سازمانی حزب کارگر ایران میگذرد

آمریکائی و انگلیسی در امور داخلی ایران شدت یافت. تئوری پلیسی، فشار ژاندارم، هجوم دستجات مسلح خانها و فئودالها، باجداره های دهقانی، اتحادیه های کارگری و سازمانهای حزب، توده ایران، سراسر ایران را فراگرفت. هجوم ارتجاع در آذربایجان شدت خاصی کسب کرد. همه میدانند که ایران کشوری است کثیرالمذاهب و مردم آذربایجان خصوصیات ملی و زبان خاصی دارند و هیئت حاکمه و ارتجاع ایران حتی وجود ملت آذربایجان و دیگر خلفهای ایران و زبان این خلفهارا نمی بیند. در زمان دیکتاتوری رضا شاه که ترویج افکار شوینستی اوج گرفته بود بیکار بردن زبان فارسی در ادارات دولتی و در مجامع اجباری گشت بدین ترتیب خلق آذربایجان مانند سایر خلفهای غیر فارسی زبان ایران از ابتدائی ترین حقوق دموکراتیک یعنی حق استفاده از زبان مادری محروم بود. ستم ملی در آذربایجان و کردستان مسئله زبان محدود نمیشود. از لحاظ رشد اقتصادی نیز آذربایجان در مقایسه با استانهای تهران، مازندران، اصفهان و غیره در وضع نابرابر قرار داشت. آذربایجان که یکی از ایالت های شکوفان ایران بود در سالهای دیکتاتوری رضا شاه چه از لحاظ اقتصادی و چه از حیث عمران و آبادی رو به انحطاط رفت. در نتیجه چنین سیاست تبعیض آمیزی که هم اکنون نیز ادامه دارد ناحیه رنجیز آذربایجان یکی از عقب مانده ترین استانهای ایران تبدیل شده است. مهاجرت اجباری هزاران کارگر و دهقان

همانطوریکه در مقدمه برنامه حزب توده ایران مصوب کفترانس وحدت ذکر شده است. در سالهای جنگ دوم جهانی و پس از آن جنبش رهایی بخش ملی و دموکراتیک مردم ایران نیرو و دامنه عظیم یافت. حزب توده ایران در سال ۱۳۲۰ تشکیل گردید و بر رأس جنبش وسیع مردم ایران قرار گرفت. در سالهای ۲۵-۱۳۲۴ جنبش ملی و دموکراتیک در آذربایجان و کردستان دامنه وسیعی یافت و در این مناطق حزب دموکرات آذربایجان و حزب دموکرات کردستان بوجود آمدند و به مبارزه قهرمانانه ای برای مصالح خلق دست زدند.

در این جملات کوتاه شرایط تشکیل حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان ذکر شده. در عین حال رابطه نزدیکی که میان تشکیل حزب توده ایران و جنبش رهایی بخش ملی و دموکراتیک همه خلفهای ایران از طرفی و رابطه نزدیکی که بین تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان و فرقه دموکرات کردستان با جنبش ملی و دموکراتیک خلفهای آذربایجان و کردستان وجود دارد تصریح گردیده است. معذک بی مناسبت نیست که انگیزه های عمده این جنبش ولو بطور اختصار یاد آوری شود.

در اثر شکست آلمان هیتلری و زاین امپریالیستی و پیروزی اتحاد شوروی در جنگ دوم جهانی همراه با فعالیت سازمانهای دموکراتیک و بویژه حزب توده ایران جنبش دموکراتیک در سراسر ایران بسط و توسعه بیشتری یافت. در عین حال مداخله امپریالیستهای

از کفترانس وحدت که در تاریخ ۱۰-۱۱-۱۳۳۹ با شرکت اعضا پانوم کمیته مرکزی حزب توده ایران و پانوم کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان تشکیل شد پنجسال میگذرد.

مردم ارکان مرکزی حزب توده ایران

سفر شاه به اتحاد شوروی

شوروی و همه کشورهای سوسیالیستی بمعنی تخفیف جنگ سرد و حفظ صلح در منطقه پر آشوب خاورمیانه و تضعیف پایگاههای سیاسی اقتصادی و نظامی امپریالیسم در ایران است. اگر قبول است که عدم تعادل فاحش در بازار گانی خارجی ایران در نتیجه سیاست امپریالیستی درهای باز، بوجود آمده و موجب غارت منابع ارزی ما، تعطیل صنایع ملی، رکود صادرات، ورشکستگی تولید کنندگان و بازرگانان، بیکاری کارگران و بیخانمانی دهقانان گردیده است، در این صورت بسط روابط بازرگانی با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی که قبل از هر چیز موجب رونق صادرات میشود، باینده مورد پشتیبانی هر یکن پرست ایرانی قرار گیرد. اگر صحیح است که امپریالیستها بیش

در تیر ماه شاه برای مدت ده روز به اتحاد شوروی سفر کرد. سفر شاه به اتحاد شوروی در زمینه کوشش است که برای بهبود مناسبات ایران و شوروی انجام بگیرد و به جهت جهت مورد توجه خاص موافقان و مخالفان بهبود روابط ایران و شوروی قرار گرفته است. موافقان در انتظار و علاقمندند که این سفر به بهبود واقعی مناسبات ایران و شوروی و به تعمیم آن در عین منجر گردد. مخالفان دعوت دولت شوروی را از شاه و محکوم میکنند و منطقاً باینکه خوشحال شوند اگر این سفر و اقداماتی نظیر آن به بهبود مناسبات ایران و شوروی کمک نکند. مناسبات ایران و شوروی یکی از مسائل مورد بحث در محافل اجتماعی ایران است. بهبود این مناسبات از دو جنبه مورد انتقاد قرار میگیرد: از یک سو عناصری در بین نیروهای ملی هستند که میگویند چون رژیم شاه بند ملی و ضد دموکراتیک است و بهبود مناسبات ایران و شوروی هم کمک به تحکیم رژیم شاه است، بنابر این باید با آن مخالفت کرد. ماخر این تفسیر کوتاه قصد تحلیل تفصیلی این مسئله را ندارد. در گذشته بتفصیل نظریات ما در این زمینه در روزنامه مردم و مجله دنیا تشریح گردیده و در شماره اول سال ششم مجله دنیا نیز بار دیگر بتفصیل در این باب بحث شده است.

برنامه های اقتصادی ایران در چه شرایطی کامیاب خواهند شد؟

اجرا گذارد. و حال آنکه ماهیت رژیم موجود و سیاست اقتصادی آن طور است که برنامه ریزی علمی و اجرایی آنرا در ایران غیر ممکن میباشد.

بیش از آنکه به تحلیل علل عدم شکست برنامه ها بپردازیم، تمیز و توضیح چند نکته درباره رشد اقتصادی مبتنی بر برنامه و نیز مفهوم علمی برنامه ریزی ضروریست. رشد اقتصادی زمانی بدون برنامه انجام میگیرد که هنگام رشد اقتصاد کشور و این تناسب

هفده سال است که چرخهای اقتصاد ایران با اصطلاح بر محور برنامه میگردد. حالا پس از هفده سال تجربه تلخ دیگر کسی نیست که از سر نوشت این برنامه ها و نتایج آنها هنوز بیخبر است. این برنامه ها آگاه نباشد. بحران اقتصادی و مالی سال های اخیر و کاهش آهنگ رشد تا ۲۰ درصد در سال انگلیس و اسپین دم های بحضرتانه نخستین دوران برنامه ریزی ایران بود. مستبد بودن برنامه ها، سوء استفاده مقامات و سازمانها، نبودن آمار واقعی و غیره عواملی هستند که معمولاً علل شکست برنامه های ایران شناخته شده اند. اگر چه این عوامل در شکست برنامه های ایران تأثیر قابل ملاحظه ای داشته اند ولی جنبه های عمده شکست برنامه ها در این قبیل عوامل اشیاء بوده و چنین تصویری بوجود میآورد که گویا با هر طرف ساختن این تقاض میباید برنامه هایی مستعد و علمی در ایران تنظیم نموده و مرحله

در تیر ماه شاه برای مدت ده روز به اتحاد شوروی سفر کرد. سفر شاه به اتحاد شوروی در زمینه کوشش است که برای بهبود مناسبات ایران و شوروی انجام بگیرد و به جهت جهت مورد توجه خاص موافقان و مخالفان بهبود روابط ایران و شوروی قرار گرفته است. موافقان در انتظار و علاقمندند که این سفر به بهبود واقعی مناسبات ایران و شوروی و به تعمیم آن در عین منجر گردد. مخالفان دعوت دولت شوروی را از شاه و محکوم میکنند و منطقاً باینکه خوشحال شوند اگر این سفر و اقداماتی نظیر آن به بهبود مناسبات ایران و شوروی کمک نکند. مناسبات ایران و شوروی یکی از مسائل مورد بحث در محافل اجتماعی ایران است. بهبود این مناسبات از دو جنبه مورد انتقاد قرار میگیرد: از یک سو عناصری در بین نیروهای ملی هستند که میگویند چون رژیم شاه بند ملی و ضد دموکراتیک است و بهبود مناسبات ایران و شوروی هم کمک به تحکیم رژیم شاه است، بنابر این باید با آن مخالفت کرد. ماخر این تفسیر کوتاه قصد تحلیل تفصیلی این مسئله را ندارد. در گذشته بتفصیل نظریات ما در این زمینه در روزنامه مردم و مجله دنیا تشریح گردیده و در شماره اول سال ششم مجله دنیا نیز بار دیگر بتفصیل در این باب بحث شده است.

بسی تاکید این نکته لازم است که اساس اشتباه این عناصر از آنجا ناشی میشود که اولاً روابط دولتی را - که بر پایه هنجاری مناسبات امیز نظامهای اجتماعی گوناگون قرار دارد - با مبارزه طبقاتی در داخل کشور یکنی میکنند. ثانیاً خود منحصوی سیاست همزیستی مسالمت آمیز را بدستی درک نمیکنند. نیرو های دموکراتیک و مترقی میهن ما که هم مصالح عالی ملت ایران و هم هدفهای اردو گاه صلح و دمکراسی را که با یکدیگر پیوند ناگسستنی دارند، در نظر میگیرند و معتقدند که بهبود مناسبات ایران با اتحاد

برخی جوانب و عواقب وابستگی نظامی و سیاسی ایران

ضروری میان بخشها و رشته های تولیدی موافق هدفهای معین اجتماعی قبلاً بمعنی علمی کلمه پیش بینی شده باشد. برنامه ریزی عبارت است از تعیین آگاهانه و علمی این تناسبات و اهمیتها برای مدت معین از رشد اقتصاد این در مقیاس تمام کشور. لذا میان برنامه ریزی معینی علمی آن و تنظیم پروژه های منظور ساختمان چند واحد صنعتی و کشاورزی و غیره و پیش بینی سرمایه های ضروری برای آن باید تفاوت قائل شد. علاوه تنظیم

به یوک بند نظامی تجاوز کار امپریالیستی

امپریالیستها بویژه امپریالیستهای امریکا تسلط خود را بر شئون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی میهن ما بوسیله دو اهرم اساسی حفظ میکنند: ۱- قرضه کردن منابع عظیم نفت در دست خود و ۲- نگاهداشتن ایران در سیستم یوک بندی نظامی تجاوز کارانه خود. شاه که هیچگونه با آگاه وسیع مطبوعی در جامعه ما ندارد از همان نخستین روز های پس از کودتای خانانه ۲۸ مرداد با درک نقیبه از پایان امپریالیستی در این زمینه و با توجه باین امر که آنها فقط در صورت تصرف این

مطالب دیگر این شماره:

- روداد ها و تفسیر ها صفحه ۸
- اخباری از ایران صفحه ۲
- تقویم مردم صفحه ۸

مسئله آلمان - یک مسئله غامض بین المللی

دولت ایران باید جمهوری دموکراتیک آلمان را بر سمیت بشناسد

چیزی نبود. بعد از جنگ کشور آلمان که تحت اشغال نیرو های ملل متحد در آمده بود، سر نوشت تازه ای پیدا کرد. در بخش شرقی این کشور که ارتش شوروی در آن مستقر بود، احزاب مترقی و ضد امپریالیستی جبهه متحدی بوجود آوردند و تصمیم گرفتند بقایای فاشیسم و امپریالیسم را از آلمان ریشه کن کنند. یک کشور مترقی، صلح دوست و آزاد بخواد را اینان بنند. در بخش دیگر آلمان که ارتش امریکا، انگلستان و فرانسه مستقر بودند، جریان بطور کلی صورت دیگر داشت. در این بخش نه تنها فاشیسم ریشه کن نشد بلکه نزدیکترین همکاران و دستیاران هیتلر یعنی نازی ها، اخفا بیرون خریدند و با ایجاد جمهوری فدرال آلمان همان سیاست قدیم را با شکل یزید شمار های تازه ای ادامه دادند.

مسئله آلمان بیشک یکی از غامض ترین مسائل بین المللی است و تا وقتیکه این مسئله بطور جهانی حل نشود، در قلب اروپا آتش نشان خابوش وجود خواهد داشت که نوران آن هر لحظه ممکن است نه تنها صلح اروپا بلکه صلح جهانی را مورد مخاطره جدی قرار دهد.

فاشیسم آلمان از جریان جنگ دوم جهانی بیش از پنجاه میلیون نفوس بشری را بکال و جوت کشید. دهها کشور و هزارها شهر و دهکده را ویران کرد. در جریان جنگی که فاشیسم آلمان آغاز کرده بود، کشور آلمان بویژه خود صنایع مهلک دید. بزرگترین مراکز تمدن و صنعت این کشور نابود شد. میلیونها مردم آن از پای درآمدند. میراث فاشیسم برای ملت آلمان جز شکست سرافکنندگی و خواری

اخباری از ایران

۱ - شهریور ماه سال ۱۳۴۳ برای خانواده فرومند ماه پر صیقلی بود. پدر خانواده حاج میرزا حسین فرومند کنایه خوش تازه فوت شده بود. روز یکشنبه هشتم شهریور سازمان امنیت جنازه جوان این خانواده را از زندان تحویل آنان داد. وی پسر پسر فرومند نام داشت. پرویز فرومند پس از کودتای ۲۸ مرداد یا یک دوست خود به اتحاد شوروی رفته بود و در آنجا تحصیل کرد. از جواج نمود. خانواده‌ای تشکیل داد. پس از پایان تحصیل با گذرنامه‌ای که ازسارت ایران گرفته بود با ایران بازگشت ولی مأمورین سازمان امنیت در فواری مریز او را بازداشت کردند روز هفتم شهریور ماه فرومند در نتیجه تشکبه طولانی و محس در گذشت و هشتم جنازه اش را تحویل دادند. جنازه فرومند از لحاظ صدمات موحشی که دیده بود قابل غسل دادن نبود و بدین این مراسم غسل ششم شهریور خانواده فرومند خواندند. روزنامه کیهان معاش ترجمه او را اعلام کند. سازمان امنیت مانع شد تا پس از گرفتن تمهیدات، همین اجازه دادند روز ۱۸ مهر در مسجد ارك از هفت تا ده بعد از ظهر مجلس یاد بود او برگزار گردد. اعلان مجلس ترجمه سرانجام در روزنامه کیهان شماره ۱۳۲۸ درج گردید. از خانواده فرومند تمهید گرفته شد که در باره کفایت مرکز فرزندان سخی نگویند. روضه خوانی که در مجلس ترجمه ایراد و حفظ نمود از طرف سازمان امنیت موقوف شده بود.

۲ - در فروردین ماه ۱۳۴۴ احمد آرامش (شهر جوهر مهندس شریف امامی رئیس مجلس سنا) اعلامیه ای داد که در آن خجانتها و جملاتی رژیم استبدادی شاه را بر ملا ساخت و ضرورت استقرار جمهوری را تصریح کرد. آرامش در عین حال نامه سرگشاده‌ای در پوست صفحه خطاب به دانش رئیس جمهوری آمریکا نوشت. همانطور که آرامش بدینسان در اعلامیه خود پیش بینی کرد مأمورین غلاظ و شداد سازمان امنیت او را بازداشت کردند و اکنون در زندان قصر زندانی است. پس از زندانی شدن احمد آرامش کمیته جمهوریخواهان طرفدار او نیز اعلامیه‌های مانند اعلامیه آرامش منتشر ساختند. برخی از روزنامه‌های وابسته رژیم از اجمله روزنامه مهر ایران، مأمور پاسخگویی و دشنام دادن به آرامش شدند.

۳ - آقای شیخ مصطفی رهنما از روحانیون

مترقی است که جزوات و مقالات چندی با افکار باز و آزادخواهانه منتشر کرده است. شیخ مصطفی رهنما از دیهشت ماه سال جاری اعلامیه‌ای را جمع به فلسطین چاپ کرد و در آن پشاه و سیاست او را مورد طعن و طعن و اسرائیل حمله کرد. شیخ مصطفی رهنما توفیق شد و اینک در باز دانشگاه قول قلعه است و در محاکم در بسته محاکمه میشود. بخانداده شیخ حق ملاقات با وی را نداده اند.

۴ - دکتر بینا همان کسی که پس از کودتا در دوران نخست وزیری سپهبد زاهدی سانشاه در مجلس یه‌های کردن صنایع نفت تاخته بود. اکنون معاون دانشسرای عالی است. دکتر بینا دانشسرا را به لانه سازمان امنیت میبل کرده است و استادان و دانشسرایان را که از تملق شاه و توصیف و انقلاب شاهانه در سر کلاش خودداری ورزند بسازمان امنیت معرفی می نماید. استادان و دانشسرایان که مورد حملات دکتر بینا قرار میگیرند غالباً مورد توجه و علاقه نماینده دانشجویند. دانشگاه و دانشسرا به برکت وجود ایادی مستقیم دربار و سازمان امنیت از قبیل صالح‌ها

و بینها به شباعت سازمان امنیت میبل شده اند و در آنجا امکان تفکر آزاد، تنفس آزاد و حفظ فضایل و شخصیت انسانی از استادان و دانشجوین سلب شده است.

۵ - دفاعهای متوالی و مجدانه دانشجویان اروپا تشکیل کمیته‌های دفاع از روشنفکرانی که در ۲۱ فروردین با تمام شرکت در تیراندازی کاخ مرمر بازداشت شده‌اند. در کشور تأثیر فراوان داشته است. پشتیبانی از این جریان و انعکاس مبارزات دانشجویان ایرانی در این رادیو نقشه سازمان امنیت را بکلی خنثی کرده است. نقشه سازمان امنیت این بود که با جدائی افکنش بین باصطلاح دانشجویی و علمی و با کرمونستی‌های روسی و بین آزادخواهان محیط عدم اعتماد و سوءظن موجود آورد. مأمورین سازمان امنیت علناً به زندانیان میگویند. ما شما را ۲۱ فروردین را تحت فشار قرار داده‌ایم ولی چند نفر کمونیست روسی را که در میان آنها اسر هم هست بدون تشکبه نگه داشتیم. طی یکماه اخیر گفتارهای پرشور نیک ایران تمام رشته‌های سازمان امنیت را پنبه کرده است.

۶ - اخیراً یکی از مستشاران امریکائی بنام لوفلین هنگامیکه با سرعت غیر مجاز ماشین می‌رانند یک زن ایرانی را زیر گرفت. زن فوت میکند. پاسبان فلین را بازداشت میکنند. برکه، کنسول امریکا در تهران پس از اطلاع از واقعه به کلاتری میرود تا برای استخلاص فلین اقدام کند. ولی کلاتری جواب رد میدهد.

سفارت امریکا رایشن سفارت بنام روکول را بوزارت خارجه ایران میفرستد. رایشن با میرفندرسکی صحبت میکند و سپس نامه‌ای بپادشاهی نوشته میشود و فلین با ضمانت میرفندرسکی آزاد میشود.

بندبترین بار دیگر مستشاران امریکائی در مین با جنبش مرتکب شده و میکوشند یکمک چاکرانی که در دستگاه دولت ایران دارند آنرا از افکار عمومی مردم ایران پوشیده نگاهدارند و مانع آن شوند که تبهکار امریکائی بکیفر جنایت خود برسد. در عین حال سفارت امریکا کوشیده است تا با دادن مبلغ ناچیزی به اقوام مقبول و قوع این قتل را مسکوت بگذارد.

قابل ملاحظه روابط بازرگانی و اقتصادی و توسعه روابط فرهنگی بین دو کشور نام برد.

سفر شاه به اتحاد شوروی

از چهل سال است که با احدث کارخانه خوب آهن در ایران مخالفت میکنند. آنوقت در قبول پیشنهاد اتحاد شوروی برای ایجاد این کارخانه و همچنین سایر کمکهای فنی برای صنعتی کردن ایران تردید نمایند کرد. اگر درست است که امپریالیستها با تمام قوا میکوشند که ایران را همچنان در زنجیر پیمان‌های اسارت‌آور نظامی نگاهدارند آنوقت هرگونه کوششی که در جهت خروج ایران از این پیمانها ویا حتی سنت کردن آنها انجام گیرد باید مورد تأیید میهن پرستان ایرانی باشد.

بوجود مناسبات ایران با اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی را بیاییم نتیجه مبارزات طولانی ملت ایران تغییر تناسب نیروها در صحنه جهانی بنفع صلح، دموکراسی و سوسیالیسم دانست و آنرا عقب نشینی رژیم تعلق کرد. اینکه برای جاوگیری از بهبود مناسبات ایران

های امپریالیستی و ارتجاعی با تمام قوا تلاش کرده و میکنند. اینکه زمامداران رژیم کنونی تا آنجا که بتوانند در این زمینه اخلال میکنند و با کراموگندی پیش میروند خود نشانه دیگری از صحت و آذربیشی مبارزه در راه بهبود مناسبات ایران و شوروی است. درست بهترین جهت است که باید این مبارزه را تشدید کرد و توسعه داد. زیرا که هر گام جدی در راه بهبود مناسبات ایران با کشور های سوسیالیستی ضربه ای است به پایگاههای امپریالیسم در ایران و وابسته به آن.

شایان توجه است که در اعلامیه منتشره از جانب ایران و شوروی برخی نکات متواتر ذکر شده است که با خواستها و مصالح ملت ایران تطبیق میکند. از جمله میتوان از قبول اصل همزیستی مسالمت آمیز بعنوان پایه مناسبات بین نظامهای گوناگون اجتماعی، ضرورت تقویت سازمان ملل متحد، کوشش در راه منع استعمال سلاح اتمی، لزوم حل مسائل مورد اختلاف از راههای مسالمت آمیز و کوشش برای بسط

بنظر ما قبول چنین اصولی از جانب ایران و پذیرفتن تعهدی در این زمینهها بخوبی خود مورد تأیید میهن پرستان ایرانی است. مهمتر اینکه ملت ایران و همه نیرو های مبارز و ملی باید با بیگانه مدام و مؤثر خود رژیم کنونی را و دارند که گناههای عملی و جدی در زمینه‌های فوق بردارد. نباید گذاشت رژیمی که علیرغم میل خود و با اکراه و فقط بابت فشار داخلی و تغییر تناسب نیروها در صحنه بین‌المللی بقتل نشینی میجوید میشود در مرحله حرف و یا در نتیجه راه باقی ماند. سرنوشت مبارزه در راه بهبود مناسبات ایران و شوروی هم مانند هر مبارزه دیگری وابسته بقابلیت، بیسگری و نیرومندی نیرو های دموکراتیک چه در ایران و چه در صحنه جهانی است.

ایا مبارزه در راه بهبود مناسبات ایران با اتحاد شوروی وسایر کشور های سوسیالیستی بمعنی تخفیف مبارزه بزمند رژیم شاه است؟ در این زمینه سخن زیاده لازم نیست. سیاست حزب توده ایران و فعالیت سازمانها و ارگانهای تبلیغاتی آن بهترین گواه است. که ما در همانحال که با پیگیری از بهبود مناسبات دفاع کرده ایم و خواهیم کرد. اعطای ای از

بقیه در صفحه ۳

کودکهای ۲۸ مرداد با اصطلاح « ناسیونالیسم ملت » را اصل اساسی سیاست خارجی خود اعلام کرد. ولی علیرغم دعای شاه و تقسیرهای کاذبانه او از « ناسیونالیسم ملت » به محتوی واقعی این اصل کنشانی سیاست خارجی او عبارت بود از: تبعیت کور کورانه از امپریالیسم امریکا و انگلیس، طلب سرمایه های خارجی بکشور و اشاعه آنتی کمونیسم برای مقابله با نظریات کلیه نیروهای ملی و مترقی ایران. امپریالیستهای امریکا و انگلیس مدتها قبل از کودتای ۲۸ مرداد در صدد بودند با علم کردن لولوی «خطر تجاوز کمونیستی» - از کشورهای غربی، عراق، پاکستان و ایران بلوک نظامی جدیدی در خاور میانه تشکیل دهند و با این حلقه همکاری - بلوک نانو را به دسته بندی نظامی درگیری در جنوب خاوری آسیا متصیل کنند و با این طریق زنجیر بلوکهای نظامی تجاوزکار خود را علیه کشورهای آزاد گاه سوسیالیستی بوجود آورند. وجود دولت ملی مصدق در ایران مانع انجام این نقشه بود و کودتای ضد ملی ۲۸ مرداد زمینه را برای اجرای آن آماده ساخت.

روز ۲۰ - ۲۰ - ۱۳۳۳ میان دو کشور عراق و ترکیه یک پیمان نظامی امضاء شد و این پیمان بغداد موسوم گردید. در فروردین

۱۳۳۴ انگلستان و در شهر بور همان سال پاکستان الحاق خود را با این پیمان اعلام کرد. کابینه زاهدی در فروردین ۱۳۳۴ جای خود را بکابینه علا داد و این هنگامی بود که مردم ایران از تصمیم رژیم شاه بشرکت در پیمان تجاوزکار بغداد مطلع شده بودند و بر آشفتگی قشرهای مختلف جامعه باوج خود رسیده بود. در داخل ارتش ایران نیز جنبش میهن پرستانه وسیعی علیه تصمیم به نقض سیاست بیطرفی و شرکت در بلوک بندی تجاوزکارانه امپریالیستی برپا شده بود. وجود این جنبش نیرومند در داخل ارتش مانع بزرگی برای حلق ایران به پیمان بغداد بود. همین جهت رژیم شاه با شرکت مستقیم مستشاران نظامی امریکا به «تصفیه» دامنه داری در تمام واحدهای ارتش و شهر بانی و زاندارمری پرداخت. بیش از ۶۰۰ افسر وطن پرست و ترقیخواه برندان افتادند و بیش از ۳۰ تن از مترقیترین و رشیدترین افسران ایران تیرباران شدند. بدین طریق محیط ترور و وحشت مرگبار در ارتش و واحدهای نظامی برقرار گردید. از بی این عمل کلیه احزاب و سازمانهای ملی و مترقی کشور تحت تعقیب پلیسی شدید قرار گرفتند. رژیم شاه با سرکوب و وحشیانه نیروهای ملی و میهن پرست علیرغم اراده

فاطمه مردم صلخدوست ایران زمینه را برای کشاندن میهن ما به پیمان تجاوزکارانه بغداد فراهم ساخت.

روز ۱۹ مهر ۱۳۳۴ حسین علا تبصیر دولت را با الحاق به پیمان بغداد اعلام کرد و از این تاریخ شرکت رسمی ایران در بلوک بندیهای نظامی امپریالیستی آغاز شد. با آنکه امریکا بطور رسمی عضویت خود را در این پیمان تأیید نکرد ولی عملاً هم در تشکیل آن و هم در کلیه فعالیت های آن از همان آغاز نقش درجه اول داشته است. علت امتناع امریکا از اعلام رسمی شرکت خود در این پیمان سهو شهرت پیمان بغداد در کشورهای غربی و نزد همپوستان بود که امپریالیسم امریکا همیشه در مورد آنها نقشه ها و سناسنتی مخزنا از امپریالیسم انگلیس داشته و دارد.

انقلاب عراق امید های رژیم شاه را در مورد پیمان بغداد به یأس بدل کرد.

پیمان بغداد

با آنکه بانیان اصلی پیمان بغداد از یکسو و رژیم شاه تبعیت از آنان از سوی دیگر برای توجیه شرکت در این پیمان تجاوزکار بوجود با اصطلاح «خطر تجاوز کمونیستی» و بخصوص بخطر موهوم تجاوز

از جانب همسایه بزرگ صلخدوست ما اتحاد شوروی استناد میکردند و این پیمان را سندی برای جلو گیری از « تجاوز شوروی و سپری برای حفظ استقلال » کشورهای عضو واقعه و نمود مساختند ولی هر يك از آنها در باطن نیات دیگری را تعقیب میکرد. امپریالیسم امریکا و انگلیس با استفاده از وحشت رژیم شاه از جنبش نیروهای ملی و مترقی کشور علاوه بر مقاصد دیگری که در زمینه اقتصادی داشتند میکوشیدند ایران را با نگاه تجاوز علیه کشورهای آزاد گاه سوسیالیستی بدل کنند. رژیم شاه هم صرف نظر از مقاصد دیگر خود این پیمان را واهی دل خوش کرده بود که گویا وجود پیمانهای نظیر پیمان بغداد رژیم متزلزل او را در برقبال امواج جنبش، بجایخشی نیروهای ملی و مترقی محفوظ خواهد داشت. ولی این امیدها بزودی به یأس تبدیل شد. انقلاب ژوئیه سال ۱۹۵۸ عراق نشان داد که شرکت در پیمان بغداد هم تضمین برای حفظ يك رژیم ضد ملی بوجود نمیآورد.

عراق پس از انقلاب در ۲۴ مارس ۱۹۵۹ رسماً از پیمان بغداد خارج شد و با خروج آن کشور دیرخانه پیمان که تا آن زمان در بغداد بود با تکارا منتقل گردید و پیمان نیز از آن پس پیمان سنتو یعنی « سازمان پیمان

سفر شاه به اتحاد شوروی

مبارزه بی‌امان خود بر ضد رژیم شاه فکاسته‌ایم. اتفاقاً ای برادری دیگری که از سوی دیپکری وارد میشود در همین زمینه است. وابستگی بمحافل حاکمه ایران در این اواخر مرتباً انتقاد و اعتراض میکنند که این چه همزیستی مسالمت آمیزی است! این چگونگی کوشش در راه بهبود روابط ایران با کشورهای سوسیالیستی است که مثلاً رادیوی بیگ ایران دائماً رژیم کنونی ایران را حمله میکنند؟ این آقایان هم نمیفهمند و یا نمیخواهند بفهمند که نیروهای ملی و دمکراتیک ایران رژیم کنونی ایران را رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک میدانند و مبارزه خود را بر ضد این رژیم تائید می‌کنند. این دولت را هم می‌گویند که ادامه خواهد داد. این آقایان باید بدانند که مبارزه نیروهای دموکراتیک برای بهبود و بسط روابط ایران با کشورهای سوسیالیستی جزئی از مبارزه عمومی آنها در راه خواسته‌های دموکراتیک مردم ایران است و آنها در این مبارزه تمامیت رژیم شاه را از یاد می‌برند و نه هدف اصلی خود را. بهمین جهت بود که ایرانیان مقدم کشورهای سوسیالیستی حتی از فرصت مسافرت شاه به اتحاد شوروی هم استفاده کردند و خواسته‌های دموکراتیک خود را که انعکاس واقعی تمایلات ملت ایران است بگوش محافل حاکمه ایران و همچنین مقامات رسمی اتحاد شوروی رساندند. ایرانیان مقدم اتحاد شوروی (از جمله در آذربایجان شوروی نمایندگان) هزار نفر و همچنین در روسیه و سیبری) بلغاریستان، رومانی، مجارستان، چکوسلواکی، جمهوری دمکراتیک آلمان و لهستان طی تلگراف‌هایی که بسوی مسکو آمدن ایران به شاه، نخست وزیر، رئیس مجلس شورایی ملی و رئیس مجلس سنا مبارزه کردند و رهنوشته‌ها را برای استناد می‌گویان صدر شورایی اتحاد شوروی و الکسی کاسیگین رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی ارسال داشتند این خواسته‌ها را مطرح کردند. نکات اصلی تلگراف‌ها به قرار زیر است:

مردم ایران در قید یک رژیم ضد دموکراتیک و فقه کهنه هر گونه آزادی رنج می‌برند. سازمان امنیت تسلط جهانی خود را بر همه شعور زندگی برقرار کرده است. ضدفاقر زندانی در زندانهای ایران بی‌جرم داشتن عقایدی مخالف عقاید دولت مقیدند. شیوه وحشیانه شکنجه‌های بی‌قانون و ستمانی که ماکان اعمال می‌گردد، افراد را بخاطر عقاید سیاسی آنها توفیق نفی بلد و اعدام میکنند.

پنجسال از وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر ایران می‌گذرد

آذربایجانی که در جستجوی یک لقمه نان به تهران و نقاط دیگر ایران رو می‌آورند پدیده تصادفی نیست. همه این اوضاع و احوال مردم آذربایجان را بستوره آورده موجبات یک جنبش وسیع و مقاومت جدی را فراهم ساخته بود. در چنین وضعی است که فرقه دموکرات آذربایجان که در رأس آن شادروان میرجعفر پینهوری قرار داشت با برنامه‌ای که خواسته‌های آرزوی مردم آذربایجان را منعکس می‌ساخت تشکیل شد. هدفش آن بود که در چارچوب کشور ایران و با مراعات اکید تمامیت ارضی میهن واحد، حقوق حق ملی آذربایجان را تأمین نماید و به مبارزه حق طلبانه خلق های دیگر ایران کمک کند. قابل توجه است که اکثر جنبه طبقاتی حزب توده ایران صریح بود جنبه طبقاتی فرقه دموکرات آذربایجان صراحتی نداشت و در صفوف آن عناصر آزادخواه و مترقی همه قشرها و طبقات مردم آذربایجان مشتمل شدند. فرقه دموکرات آذربایجان در مدت کوتاهی به فرقه توده ای وسیعی تبدیل شد معذالک تردیدی نیست که نقش رهبری در فرقه دموکرات آذربایجان در دست طبقه کارگر بود دشمنان طبقه کارگر می‌گوشند ایجاد احزاب

هزاران نفر ایرانی بمناسبت عقاید سیاسی خود و صرفاً بمناسبت عدم موافقت با سیاست دولت و نبودن آزادیهای فردی و اجتماعی و مراعات نشدن اصول قانون اساسی در کشور ما مجبور به جلائی وطن شده‌اند. در روز های اخیر طبق حکم جاریه دادگاه غیر قانونی باز چهار تن دیگر از هموطنان ما در ایران تیرباران شدند. اگر این افراد جز دادگاه واقعی و قانونی مورد دادرسی قرار می‌گرفتند مسلماً حکم دادگاه بجز این بود. این اعدامها جزء آن سلسله اقدامات جاریه است که رژیم موجود ایران برای متعویب ساختن مردم و جلوگیری از فعالیت سیاسی آنان میکند. هم اکنون چنان عده دیگری از زندانیان سیاسی که در ماههای اخیر توفیق شرف‌اند در خطر است. ما باین تاخت و تازهای خلاف قانون و غیر انسانی مقامات حاکمه ایران بسختی اعتراض میکنیم. ما از مقامات حاکمه ایران می‌خواهیم که:

الف - زندانیان سیاسی آزاد شوند
ب - بشیوه ترور و تسلط سازمان امنیت و محاکمه در پس در های بسته دادگاههای نظامی خاننه داده شوند و این سازمان جهانی منحل گردد

بقیه در صفحه ۶

ایران و چند حزب دیگر با حزب توده ایران نشانه باز از این گرایش است.

حزب توده ایران و اعضای آن نه تنها در زمان اوج نهضت دموکراتیک آذربایجان و کردستان بلکه پس از هجوم ارتجاع که بنام هیئت امیرالیستی آمریکا و انگلیس انجام گرفت در مطبوعات خود در زمینه‌ها، در دادگاهها، زندانها و حتی در پای چوبه اعدام از خواسته‌های عادلانه مردم آذربایجان و کردستان پشتیبانی کردند.

حزب توده ایران از کمک برادرانه بفرقه دموکرات آذربایجان و فرقه دموکرات کردستان در دوران فعالیت مخفی خویش نیز کوتاهی نکرد و به هسته های مخفی فرقه دموکرات آذربایجان و فرقه دموکرات کردستان کمک کرد تا دامنه فعالیت خود را توسعه بخشند و روزنامه های ارگانهای خود را منتشر کنند. این واقعه‌ها است که در سراسر دوران فعالیت مخفی حزب ما کوچکترین اختلافی بین اعضای حزب توده ایران و اعضای فرقه دموکرات آذربایجان و اعضای فرقه دموکرات کردستان در مبارزه علیه دشمن مشترک بروز نکرد. همه آنها با پیروی از خط مشی واحد برادرانه دوش بدوش هم مبارزه کردند. بدین ترتیب میتوان گفت اگر چه تا ۵ سال پیش وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر صورت رسمی نیافته بود ولی در عمل هماهنگی بین این سازمانها بوجود آمده بود.

طبقه کارگر و همه مردم مترقی ایران در راه ایجاد ایرانی مستقل، آزاد و آباد در شرایط بسیار دشواری مبارزه میکنند. هیئت حاکمه و شاه چهار که در رأس آن قرار دارد برای اعمال فشار دستگاه نیرومندی بوجود آورده است. ارتش، پلیس، ژاندارمری، محاکم درخته غیرقانونی نظامی، تبعید، زندان، اعدام و کشتار های جمعی وسائلی است که امپریالیستها و ارتجاع ایران برای مقابله با نهضت طبقه کارگر و همه میهن پرستان ایران بکار می‌برند. در این شرایط ضرورت انجام کلیه یقینهای دموکراتیک و میهن پرستان آنکار نابذیر است. تأمین وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر که از اصل ضرورت وحدت سازمانی و رهبری حزب طبقه کارگر در کشور کثیرالمله ناشی میگردد گام مهمی است که در این راه برداشته شده است و برای آینده طبقه کارگر و همه مردم ایران اهمیت عظیمی دارد.

بقیه در صفحه ۴

خطر موهوم کمونیسم و بطور عینده سن کوب جنبش های روز افزون آزادیبخش ملی در کشورهای عربی و کشورهای دیگر خاور نزدیک و میانه و پشتیبانی از رژیمهای ضدملی برای حفظ مواضع غارتگرانه انحصارات نفتی. رژیم شاه با تأیید این دکترین و استبدادی نظامی و سیاسی ایران را با آمریکا تشدید کرد و برای آمریکا این حق را برنیت شناخت که در هر موقع آنکشور صلاح بداند به بهانه «دفاع» از کشورهای خاور نزدیک و میانه نیروهای خود را وارد خاک آنکشورها کند.

ولسی پس از انقلاب عراق نه قبول «دکترین ایزنهاور» و نه وجود ماده سری پیش گفته در قرارداد مربوط به سنتو توانست وخت رژیم شاه را تحقیر دهد. با اینجهت محمد رضا شاه درصدد بر آمد تا توسعه پیش از پیش روابط نظامی و سیاسی خود با آمریکا موقعیت خود را مستحکم کند. در زمان نخست وزیری اقبال هندگام که ما کلروی وزیر جنگ وقت آمریکا، تهران آمده بود مذاکرات برای عقد قرارداد نظامی دو جانبه میان ایران و آمریکا آغاز شد. کمی بعد یعنی در اوایل سال ۱۹۵۹ به پیشنهاد دولت ایران مذاکرات دیگری میان ایران و آمریکا و هیئت نمایندگان دولت شوروی بریاست سنیوف معاون وزارت امور

خارج اتحاد شوروی برای عقد قرارداد دوستی و عدم تعرض میان دو کشور آغاز شد. توی در بحبوحه این مذاکرات ناگهان دولت اقبال مذاکرات را برهم زد و روز ۱۶ اسفند ۱۳۳۷ قرارداد نظامی دو جانبه با آمریکا را در آنکارا امضاء کرد. بموجب این قرارداد امریکا حق دارد بنا بر تقاضای دولت ایران در صورت پیش آمد تجاوزه مستقیم و یا «تجاوزه غیر مستقیم» نیروهای خود را وارد خاک ایران کند. منظور از «تجاوزه غیر مستقیم» البته همان اوج جنبش نیروهای ملی و مترقی ایران برای تأمین آزادی و استقلال ملی میهن خویش است.

هدف رژیم شاه از امضای این قرارداد این بود که ایران و آینده آنرا پیش از پیش با مطامع غارتگرانه و سیاست تجاوزه کارانه امپریالیسم آمریکا بیوند دهد و با این راه تضمین بیشتری برای حفظ خود در قبال جنبش روز افزون خلق بوجود آورد. در این سیستم وابستگی نظامی و سیاسی به بلوک بندیهای تجاوزه کار امپریالیستی که با ورود ایران به میانه بغداد آغاز شد، بود در اثر توأم شدن میهن ستو با «دکترین ایزنهاور» و سپس با انعقاد قرارداد نظامی دو جانبه

قبل از انقلاب عراق یعنی در ۵ مارس سال ۱۹۵۷ «دکترین ایزنهاور» بدنبال تجاوزه آمریکا به لبنان اعلام شده بود. رژیم شاه از زمان نخست وزیری علاء الافاضله این دکترین را تأیید کرد. هدف این دکترین عبارت بود از برقراری تسلط بیشتر آمریکا بر کشورهای خاور نزدیک و میانه به بهانه «تحمیل استقلال ملی و دفاع از تمامیت ارضی آنها» در قبال

خارج اتحاد شوروی برای عقد قرارداد دوستی و عدم تعرض میان دو کشور آغاز شد. توی در بحبوحه این مذاکرات ناگهان دولت اقبال مذاکرات را برهم زد و روز ۱۶ اسفند ۱۳۳۷ قرارداد نظامی دو جانبه با آمریکا را در آنکارا امضاء کرد. بموجب این قرارداد امریکا حق دارد بنا بر تقاضای دولت ایران در صورت پیش آمد تجاوزه مستقیم و یا «تجاوزه غیر مستقیم» نیروهای خود را وارد خاک ایران کند. منظور از «تجاوزه غیر مستقیم» البته همان اوج جنبش نیروهای ملی و مترقی ایران برای تأمین آزادی و استقلال ملی میهن خویش است.

بطور متوسط هر سال بیش از ۴۰ درصد

پنجسال از وحدت رهبری و سازمانی
امپریالیسم و هیئت حاکمه مرتجع ایران دشمن همه خائلفهای ایرانند؛ در چنین شرایطی وجود دو حزب طبقه کارگر در یک کشور، کثیر المله مانند ایران، دو حزبی که مارکسیسم - لنینیسم ایدئولوژی مشترک آنها است و اصول سازمانی واحدی دارند، هدف دور و نزدیک آنها یکسان است هیچگونه توجیهی نمیتوانست داشته باشد.

بدین سبب منظور اجرای اصل وحدت طبقه کارگر در سراسر کشور مدتها قبل از تشکیل کنگران وحدت برای تأمین وحدت و وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر در ایران بین حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان تبادل نظر بعمل آمد و جلسه مشاوره‌ای تشکیل شد. در نخستین جلسه مشوره نظریات حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان مطرح گردید. در این جلسه زمینه برای بسط کوشش در جهت تأمین وحدت فراهم آمد. افراد معدودی که از نظریات نادرست دفاع میکردند مفرد شدند و بدین ترتیب در دومین جلسه مشوره که در شهریور ماه ۱۳۳۸ تشکیل شد، اصول وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر ایران بنصوب رسیده. در این جلسه هیئتهای نمایندگان حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان ضمن تأیید ضرورت اصولی و عمده وجود حزب واحد طبقه کارگر ایران موافقت کردند که حزب واحد در سراسر ایران بنام حزب توده ایران احیا گردد. کمیته مرکزی حزب توده ایران، مرکز واحد کلیه سازمانهای حزب طبقه کارگر در ایران باشد. سازمان حزب توده ایران در آذربایجان با حفظ نام فرقه دموکرات آذربایجان دارای کمیته مرکزی خود با حقوق کمیته ایالتی باشد. در عین حال هیئتهای نمایندگی موافقت نمودند که حل مسئله نام و از آنجمله اختیار نام حزب کمونیست ایران برای حزب طبقه کارگر ایران بکنگروه آینده حزب توده ایران آحاده گردد. در جلسه مشوره شهریور ماه تشکیل کنگران وحدت و تشکیل کمیسیون نظام کمیسون تدارک وحدت بنصوب رسید. تصمیمات دومین جلسه مشوره مورد تأیید کامل پایزهای کمیته مرکزی حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان قرار گرفت. بر اساس این تصمیمات کمیسیون تدارک کنگران وحدت تشکیل شد و طرح برنامه و اساسنامه حزب طبقه کارگر ایران و آئین نامه کنگران وحدت را تهیه نمود.

پس از تهیه مقدمات لازم کنگران وحدت در

حزب طبقه کارگر ایران می‌بگذرد
تاریخ ۱۰ - ۱۱ مرداد ۱۳۳۹ تشکیل شد. برنامه و نظامنامه حزب واحد را تصویب کرد. کمیته مرکزی را انتخاب نمود وظیفه‌های و وظائف اصلی تشکیلاتی و ستاسی حزب واحد طبقه کارگر حزب توده ایران را تعیین کرد. بدین ترتیب کنگران وحدت وظایفی را که در برابر خود داشت انجام داد و وحدتی که مورد علاقه کامل و محبتکشای ایران و افراد دو سازمان بود حاصل شد.

پایزهای کمیته مرکزی حزب توده ایران که پس از کنگران وحدت تشکیل شده است همواره اهمیت وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر ایران را تذکر داده لزوم تحکیم و تعمیق وحدت را یادآور شده است. در نظامنامه بنام «وحدت رهبری و سازمانی حزب توده ایران» و فرقه دموکرات آذربایجان که در کنگران وحدت انجام گرفت حادثه‌ای بسیار مثبت در تاریخ نهضت کارگری ایران و از موفقتهای حزبی ما است. این وحدت برای آنکه کاملاً تحکیم شود و به وحدت ارگانیک تبدیل شود باید در جهت تعمیق آن کوشش بعمل آید. تودمی نمیتوان داشت که وحدت کامل صفوف حزب توده ایران از طریق توسعه انتقاد سالم و همانطوریکه قطعنامه‌های پایزهای کمیته مرکزی تصریح کرده است با بکار بستن اسلوب سالم و صحیح حزبی تأمین خواهد شد.

اینک با احیاء وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر ایران گام بزرگی در راه اتحاد کلیه نیروهای مهن پرست و دموکراتیک کشور ما برداشته شده است. طی پنجسالی که از این وحدت میگذرد گامهای متعددی در راه توخید شیوه‌های سازمانی و روشهای تبلیغی دو سازمان سابق برداشته شده است و برای نبل به یک وحدت ارگانیک این کوشش دنبال میگردد.

تشکیل جنبه واحد ضد استعمار که حزب ما از بدو پیدایش خود در راه ایجا. آب نیکو شد گام دیگری است که باید در راه برهائی منتهی از پوچ امپریالیسم و ارتجاع برداشته شود. باید در نظر گرفت که چنین اتحادی خود بخود انجام نمیکرد و پیروسی است که فقط بوسیله مبارزه بیکور و از طریق مفرد ساختن عناصر ضد وحدت میتواند بوجود آید.

چ. فروردین

برنامه ولو بصورت علمی و مستدل هنوز به‌عالی رشد مبتنی بر برنامه اقتصادی یک کشور نیست. زیرا تنظیم برنامه بی نقشه بطنای امکان اجزای آن تعیین نشد.

برنامه های ایران هیچوقت یک برنامه کامل و جامعی که بتواند تمام شئون اقتصادی را در مقیاس تمام کشور در بر گیرد، نبوده و در واقع بیش بینی سرمایه گذارهای معین دولت برای اجرای بعضی پروژه ها بوده است. سیاست رژیم کوفتی طوریت که دولت قادر نیست چنان برنامه هائی تنظیم و به‌ورد اجرا گذارد که تمام اقتصاد ملی را در بر گیرد. بودجه عادی و عمرانی دولت در حدود ۲۵ - ۳۰ درصد تولید ملی ایرانست و دولت میتواند فقط این قسمت از تولید ملی را بطور مستقیم در حیطه برنامه های خود در آورد. از آنجا که قریب ۶۰ درصد این درآمد صرف نگهداری دستگاههای دولتی و هزینه های نظامی میگردد عملاً در حدود ۱۰ درصد تولید ملی برای سرمایه گذاری و رشد اقتصاد ملی در اختیار دولت باقی میماند. علاوه بر طبق برنامه های ایران نزدیک به ۶۰ درصد سرمایه گذاری ها صرف راهسازی و ایجاد و توسعه پلها و فرودگاهها و شهر سازی و غیره و بطور کلی بمصرف ایجاد صنایع زیربنای بافراسود و کبیر میگردد که مستقیماً در تولید مهن مادی شرکت ندارند. با این ترتیب دولت برای شرکت مستقیم در امور تولیدی عملاً فقط ۴ درصد تولید ملی را در اختیار دارد که در حدود یک سوم سرمایه گذاریهای تولیدی کشور میباشد یعنی با وجود آنکه ۲۵ - ۳۰ درصد تولید ملی از طریق مختلف بدست دولت میرسد، بدست سیاست ضد مانی رژیم فقط قسمت ناچیز آن مستقیماً بطور تولیدی تخصیص داده میشود. علاوه سهم دولت در تولید مانی (بدون نفت) شاید از ۸ - ۷ درصد تجاوز نکند. ذکر این نکته نیز ضرورتیکه که دولت با در پیش گرفتن سیاست واگذاری کارخانجات دولتی این نقش تولیدی خود را نیز بتدریج از دست داده و عملاً بمقاومه کاری تبدیل میشود که با در ساء خود کارخانه هائی احداث کرده و در صورت سود آور بودن آنها را به سرمایه داران خصوصی واگذار خواهیم نمود. با این ترتیب مادامیکه دولت تولید کننده فقط ۷ - ۸ درصد درآمد ملی است و سیاست دولت حتی مزجرت کاهش این میزان میباشد و سرمایه گذاریهای دولت انحصار در رشته های غیرمولد انجام میگردد و عملاً بیش از ۹۰ درصد تولید ملی (بدون نفت) بوسیله سرمایه های خصوصی و تولید خرده کلانی درده و شهر انجام میگردد هیچ برنامه ای ولو مستبدل ترین و دقیقترین برنامه ها قادر نخواهد بود

برابر این مبلغ از بودجه خود برای مقاصد نظامی تجاوز کارانه امپریالیستی و تبدیل خاک ایران یکی از پایگاههای اساسی امپریکا در خاور میانه خراج کند.

یکی از عواقب هلاکتبار شرکت ایران در بیمان سترو و قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا تسلط روزافزون بیش از هزار مستشاران نظامی آمریکا بر ارتش ایران است. این اتزاع بیگانه دانشکده ها و دانشگاههای نظامی و سوانجد های مختلف ارتش را کنترل میکنند، ساختمان تأسیسات نظامی و سوق الجیشی تحت نظر و رهبری آنها انجام میگردد و کمکهای نظامی آمریکا تحت کنترل آنها بمصرف میرسد. علاوه بر این مستشاران نظامی آمریکا واحدهای مخصوصی را برای سرکوب جنبش ملی مردم ایران و مقابله با فعالیت اجتماعی بازرسانی تعلیم میدهند. فعالیت سیاسی سازمان امنیت شاه نیز در دوران تسلط رژیم موجود توسط مستشاران نظامی آمریکا رهبری شده است. رژیم شاه افسران ارتش ایران را موظف کرده است برای پیشرفت کار مستشاران نظامی آمریکائی انواع کمکها را بآنها بکنند و هر سند و نقشه و گزارش و آماری را که در ای اطلاع رز وضع نیروهای مسلح ایران لازم داشته باشد در اختیار آنها بگذارد. با افسران

برنامه های اقتصادی ایران در

تناسبات لازم را در میان رشته های تولیدی تعیین نموده و تولید را در مقیاس تمام کشور تحت نظم و نقشه در آورد. در شرایط کنونی تقاضای با تسلط تولید خرده کلانی اقتصاد ایران تحت تأثیر قوانین اقتصادی جهان سرمایه داری قرار داشته و عدم هماهنگی ها و نوسانات و بحران های خاص نظام سرمایه داری بر آن مسلط خواهد بود.

در چنین شرایطی انتظار ایجاد اقتصاد هماهنگ و تأمین آهنگ رشد مؤزوز و پایدار انتظاریست عبت و تعابلی است غیر ضمنی که با شرایط عینی تولید سرمایه داری منافات دارد. ناهماهنگی در تولید و توزیع و تصرف ناهنجاری در تناسبات میان بخش ها و رشته های جداگانه تولید ملی و ناموزونی و بی ثباتی در آهنگ رشد تمام اقتصاد ملی از خصائص ذاتی جامعه سرمایه دار است. واقیبات جهان سرمایه داری از بدو پیدایش آن حاکی از این ناهماهنگیها و ناهنجاریها بوده و آمارهای رسمی کشورهای سرمایه داری دلیل انکار ناپذیر این مدعا است. بنا بر این شکست ناکامی برنامه های ایران از این لحاظ امریست طبیعی و نشانه استفاده از دینام کارایی و ثروت دولتی و دقیق و عواملی از این قبیل است آنچه که برخی علی ناکامی برنامه های ایران را در آن میجویند عامل عمده در این ناکامیها نبوده و فقط میتواند ناهماهنگیها و بحرانها را شدید تر و عمیقتر گرداند.

ولی آنچه که ذکر شد دلیل

امکانات

آن نیست که در کشورهای سرمایه داری دولت ها قادر نیستند که با سیاست خود تا حدود معینی در اقتصاد کشور تأثیر نمایند. دولتها میتوانند با سیاستهای مالیاتی گمرکی وام و اعتبارات و غیره یعنی با استفاده از ابزارهای اقتصادی بطور غیر مستقیم و نیز با سرمایه گذاریهای دولتی بطور مستقیم در جهت و آهنگ رشد اقتصاد کشور بطور مثبت یا منفی تأثیر داشته باشند. هر قدر سهم بیشتری از درآمد ملی در دست دولت متمرکز شود، همانقدر نیز تأثیر دولت در اقتصاد کشور بیشتر خواهد بود. ولی آنچه بدست آمدن درآمدهای دولتی و طرز مصرف آنها تأثیر متفاوت در اقتصاد کشور باقی میگذاورد. اگر درآمدهای دولت بطور عمده از طریق مالیاتها و عوارض گمرکی و ایقینیل منابع غیرمولد تأمین

از نیاز ما

امریکائی در قبال افسران ایرانی هم
آنها حق ارشیدیت داده شده و حقوق هر یک
از آنها چندین برابر حقوق هم درجه های
ایرانی آنهاست.

قانون واگذاری حق مصوبیت سیاسی
و اقتصادی مستشاران نظامی آمریکائی که در
آبانماه سال ۱۳۴۳ تصویب مجلس رسید
خیانت تازه رژیم شاه به بحق خاکمیت کشور
ما بود. این پی آن ۵۰ بانک امریکائی اعتبار
نظامی تازه ای بمبلغ ۲۰۰ میلیون دلار در
اختیار ایران گذاشتند که مهلت آن دهسال
و بهره آن ۵ درصد است یعنی پس از دهسال
ایران باید در ازاء ۲۰۰ میلیون وام دریافتی
جمعاً ۳۰۰ میلیون دلار بابت اصل و فو عوام
مسترد دارد. این وام که با ضمانت دولت امریکا
و گذار میشود طبق اطلاع منتشره در مطبوعات
خارجی «برای خرید اسلحه مدرن و از جمله
موشکهای دارای برد متوسط» بمصرف
خواهد رسید.

شرکت در پیمانهای نظامی علاوه بر
تضمین هزینه های کمربشکن فعالیت اقتصادی
جامعه ما را بمسیری سوق داده است که
نیازمندبهای نظامی نیروهای امپریالیستی ایجاب
میکند. امپریالیستها با در دست داشتن این
اهرام نیرومند ضمن تجارت منابع نفت و جلوگیری

از نیاز ما

چه شرایطی کامیاب خواهند شد؟

شود و این درآمد ها در راههای غیر تولیدی مصرف گردد. در این صورت دولت بدون آنکه بتواند رشته های تولیدی را تنظیم نماید و تناسبات لازم را میان آنها بوجود آورد؛ فقط قادر خواهد بود که تأثیر کلی در جهت رشد اقتصادی بانی گذارد. مثلا دولت میتواند با سیاست مالیاتی و اعتبارات و با سفارش های دولتی و غیره رشد رشته های معینی را تسریع و یا رشد رشته های دیگر را کند نماید بدون آنکه بتواند در میان این رشته ها تناسبات لازم بوجود آورد (میلیاردها بزرگ کردن اقتصاد کشور در آلمان پیش از جنگ و یا ایالات متحده در زمان حاضر و یا تشویق صنایع سبک بزرگ صنایع سنگین در ایران - نمونه های اینگونه تأثیر اقتصادی دولت میباشد). ولی اگر درآمد های دولت بطور عمده از طریق مؤسسات تولیدی دولت بدست آید و این درآمد ها صرف احداث مؤسسات تولیدی گردد. در این صورت سهم دولت در تولید ملی افزایش یافته و لذا دولت نه تنها خواهد توانست که جهات کلی رشد اقتصادی را تعیین نماید؛ بلکه قادر خواهد بود بتدریج اقتصاد را تحت برنامه درآورده و تناسبات لازم را در میان رشته های مختلف تولیدی آنگاهانه تعیین نماید. یعنی هر قدر دولت دخالت خود را در اقتصاد ملی از طریق سرمایه گذارهای مستقیم در امور تولیدی توسعه دهد و سهم خود را در تولید ملی افزایش دهد؛ بهمان قدر نیز امکان تأثیر دولت در بخش خصوصی و ارشاد آن و لذا امکان برنامه ریزی در مقیاس تمام کشور بیشتر خواهد بود.

دولت ایران که هم اکنون ۲۵ تا ۳۰ درصد تولید ملی را در دست خود متمرکز کرده است برای تأمین رشد طبق برنامه تمام اقتصاد کشور امکانات بالقوه وسیعی در اختیار دارد که رژیم کنونی قادر نیست از این امکانات استفاده نماید.

برای آنکه ایران بتواند آهنگ شرایط و تناسبات لازم را بطور علمی پیش بینی نماید و عملاً اقتصاد ملی را طبق برنامه ارشاد نماید؛ باید شرایط معینی لازم برای اینکار فراهم گردد. تقویت و توسعه بخش دولتی و پایان دادن به پراکندگی بخش خصوصی در ده - دوشروط ضروری برای برنامه ریزی است.

در شرایط کنونی ایران امپریالیسم و بورژوازی از رشد اقتصاد کشور در راهی که بخواد گوی نیازمندی های واقعی ایران باشد - از بازار داخلی ما بلا مانع استفاده میکنند و با بکار انداختن سرمایه های خود در کلبه رشته های اقتصاد ایران هر سال مبلغ هنگفتی سود بچنگ میآورند و مانع ایجاد صنایع کلیدی و تسریع آهنگ رشد اقتصادی کشور میگرددند.

بطور کلی شرکت در برنامه های نظامی در زمینه بازرگانی خارجی و صنایع ورزیدگی توده های مردم و در زمینه های دیگر نیز عواید بسیار و خوبی ببار آورده که شرح همه آنها در حوصله یک مقال نمیگنجد.

ترکیب سازمانی پیمان سنتو

پیمان سنتو از ۴ کمیته دائمی و یک شورای عالی و یک مؤسسه علوم انسانی ترکیب میشود. علاوه بر این سنتو دارای ارکان عالی ای است بنام شورای وزیران سنتو.

شورای وزیران سنتو بالاترین مرجع سان است که هر سال بکار و گاه دو بار شرکت وزیران امور خارجه کشور های عضو در آن است. یکی از این کشور ها تشکیل جلسه میدهد. در روزهای ۱۸ و ۱۹ فروردین سال جاری سیزدهمین دوره اجلاس شورای وزیران سنتو در تهران تشکیل شد و این

وابسته بان (اعم از بازرگانان کمپرادور و صاحبان صنایع مختلفه) مانع عمده در تقویت و توسعه بخش دولتی اقتصاد ایران هستند. تسلط اقتصادی امپریالیسم از طریق نفوذ در صنایع نفتی و سایر رشته های تولیدی تسلط مالی آن از طریق تحمیل وامها و اعتبارات؛ تسلط نظامی از طریق جانب به پیمانهای تجاویز کار و تحمیل هزینه های سنگین نظامی و تسلط فنی از طریق تحمیل کارشناسان و مشاورین باعث میشود که بخش عظیمی از درآمد ملی ایران بخصوص در آن قسمتی که در دست دولت متمرکز است؛ بطور مستقیم و غیر مستقیم بجهت انحصار های امپریالیستی سرازیر شده و قدرت مالی دولت تضعیف گردد. بورژوازی وابسته با امپریالیسم نیز عاملین وابستگی بازرگانی خارجی کشور از طریق امکان صدور کالا و وابستگی مالی و اقتصادی از طریق توسعه امکان صدور سرمایه های بانکی و صنعتی با بران بوده و نقش مهمی در نیابت رژیم کنونی و تشدید نفوذ امپریالیسم در سرنوشت اقتصادی کشور دارند. قطع نفوذ انحصار های خارجی و عمال وابسته آنها امکانات عظیمی برای دولت ایران فراهم خواهد شد. اقتصاد کشور و بخصوص رشد بخش دولتی بوجود خواهد آورد. با آزاد شدن منبع عظیم در آمد ملی دولت خواهد توانست بخش دولتی را با آهنگ بیسابقه رشد و توسعه داده و وزن دولت را در تولید درآمد ملی بالا ببرد. با تحقق این امر یکی از دو شرط ضروری برای رشد سریع اقتصاد کشور و بکار بستن برنامه های اقتصادی فراهم میگردد.

بنابراین پایان دادن به پراکندگی بخش خصوصی در ده نیز برنامه ریزی در ایران امکان نخواهد داشت. طبق آمار های رسمی از ۳۷ تا ۴۴ درصد تولید ملی ایران بوسیله کشاورزی تأمین میگردد؛ اگر از بخش خدمات که قسمت اعظم آن تولید کننده نعم مالی نیست صرف نظر کنیم؛ سهم کشاورزی در تولید ملی به بیش از ۵۵ درصد افزایش خواهد یافت. در دهات ایران در حدود ۳۵ میلیون خانوار زندگی میکنند. یعنی عملاً ۵۵ درصد تولید ملی ایران بوسیله ۳۵ میلیون واحد بسیار کوچک تولیدی فراهم میگردد. در چنین شرایطی تنظیم برنامه در مقیاس تمام کشور و ارشاد اقتصاد کشاورزی عملاً غیر ممکن است. متحد ساختن کشاورزان در شرکتهای تعاون روستایی؛ یعنی متمرکز کردن تولید کشاورزی در واحد های بزرگ از شرایط ضروری برنامه ریزی است. اقدام با اصلاح ارضی قاطع و کوتاه کردن دست مالکان از ده اولین گام در این راه است. رفورم نیم بند شاه که منجر به جزیه طبقاتی و ایجاد شرکتهای جدید سرمایه داری در ده خواهد بود

شرکتهای تعاون روستایی مصنوعی و بی برتری که اکنون بوجود میآید قادر نیستند که پیراکنندگی تولید کشاورزی خامه دهند. واگذاری بلاغرض زمین و آب و تمام وسایل کشاورزی بدهقانان و بدین طریق معاف کردن دهقانان از پرداخت بها و یا کرایه زمین (اشکال جدید بهره مالیکانه) باعث خواهد شد که مبالغ هنگفتی که امروز دهقانان بمالکان میپردازند در خود ده متمرکز شده و پایه های اقتصادی و مالی شرکتهای تعاونی تقویت گردد و بدون آنکه نیازی بکمکهای مالی دولت باشد. اقتصادی متمرکز و نیرومند و متکی بکار جمعی در ده بوجود آید. تولید بزرگ مبتنی بر بکار جمعی دهقانان دومین شرط ضروری برای برنامه ریزی میباشد.

با فراهم آمدن این شرایط دولت قادر خواهد بود که نه تنها برنامه های جمعی در مقیاس تمام کشور تنظیم نماید؛ بلکه این برنامه ها را با موفقیت در مرحله اجرا درآورد.

احیای انحصار بازرگانی خارجی متمرکز کردن امور بانکی و بیمه در دست دولت؛ کنترل شدید دولت در امر توزیع و بازرگانی داخلی؛ کمک تولید پیشه وری و ارشاد آن - اقدامات تکمیلی دولت در امر برنامه ریزی بمعنی علمی آن خواهد بود.

در چنین شرایطی بقای بخش خصوصی صنایع در شهر لطمه ای با اجرای برنامه های دولتی وارد نخواهد ساخت؛ زیرا سرمایه داری در ایران مراحل اولیه رشد خود را طی میکند و هنوز به نیروی عمده در تولید ملی بدل نشده است. طبق آمار های موجود محصولات صنعتی در ایران (با تولید نفت) در حدود ۲۰ درصد تولید ملی را تشکیل میدهد. با در نظر گرفتن درآمد نفت و صنایع دولتی سهم سرمایه های خصوصی در صنایع بزرگ چندان قابل ملاحظه نخواهد بود. بنا بر این سیاست دولت نه تنها متوجه محدود ساختن صنایع خصوصی نخواهد شد؛ بلکه دولت بنا کمک های مالی و دفاع از منافع صنایع خصوصی در مقابل رقابت های انحصاری آنها؛ شرایط بمراتب مساعد تری برای رشد بخش خصوصی بوجود خواهد آورد؛ باین ترتیب با وجود آنکه میزان سرمایه های خصوصی در شرایط مناسبی که دولت در حفظ و تحکیم آنها بکار میبرد؛ شان بسیار بطور مطلق افزایش خواهد یافت؛ ولی در نتیجه رشد سریع بخش دولتی وزن بخش خصوصی در تولید ملی تقلیل یافته و بتدریج نوبت وسعت دامنه و عمق نفوذ برنامه ها افزوده خواهد شد. بنا بر این توسعه و رشد بخش دولتی از طریق قطع نفوذ امپریالیسم و سرمایه داران کمپرادور و ایجاد

رویدادها و تفسیرها

میکنند. از طرف دیگر منافع دول امپریالیستی را دچار خطر کرده و آنها را نیز به چاره جویی وادار مینمایند.

پایم ذات یکی از رهبران حزب کمونیست انگلستان ضمن اشاره به شکست اینگونه کمک ها می نویسد: «در اثر این عوامل اکنون دارد لفظ ای میسرند که تمام کشتی توسعه و کمک از این قماش بکلی به گل بشیند؛ زیرا کشورهای نو استقلال در موارد بسیاری هم اکنون به خودداری از قبول طرحهای بعدی کمک، پرداخته اند و دلیشان هم اینست که وضع مالی آنها بعد اعلامی شورای رسیده و دیگر هر چه خواهد بود به گرفتن بار اضافی وام نیستند».

رادیو پیک ایران

همه روزه در ساعات ۶ و ۸ وقت تهران بر روی امواج کوتاه ۱۹۰ - ۲۵ - ۲۶ متر برنامه پخش میکند.

شدن مرتب این رادیو وظیفه هر فرد چربی و هر میهن پرست ایرانی است.

شماره ۳ (۱۵) نشریه «مسائل بین المللی»

بروندی از چاپ خارج میشود. این شماره حاوی سلسله مقالاتیست درباره کشورهای خاور نزدیک و از جمله درباره «وضع کنونی دورنمای آینده ایران». از مقالات جالب دیگر این شماره مقاله ای است درباره «تکامل افکار اقتصادی مارکسیستی خلاق»؛ مقاله ای «درباره اتحاد کمونیستها و کاتولیکها» و غیره.

اقتصاد متمرکز روستایی از طریق قطع نفوذ ملاکارت شرط اساسی ایجاد اقتصاد مبتنی بر برنامه در ایرانست. رژیم موجود مظهر منافع این عوامل عمده عقب ماندگی اقتصاد ایران است و مبارزه با این رژیم بمعنی مبارزه با نفوذ این عوامل میباشد.

مختلف زندگی هر یک از کشورهای خاور میانه برای آنان اصلی پیمان یعنی مقاصدات نظامی امریکا و انگلستان است.

۴ - کمیته اقتصادی این کمیته بنوعی خود از انواع کمیته های فرعی ترکیب میشود. هدف اساسی آن اینست که امکانات اقتصادی مختلف کشور های عضو را بررسی کند و برنامه ها و پروژه هایی را در زمینه اقتصادی بکشور های آشنائی عضو پیمان تحمیل کند که در درجه اول با مقاصد نظامی کشورهای امپریالیستی امریکا و انگلیس مطابقت داشته باشد و بتواند کنترل و تسلط انحصارات امپریالیستی را بر حیات اقتصادی کشورهای عضو تأمین کند و بطور کلی به کمک اهرم سنتو و تعهدات ناشی از شرکت در آن تکامل اقتصادی کشورهای عضو را به مجرای سوق دهد. که با مضامین و مقاصد اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیست ها هماهنگ باشد. برای تأمین همین مقاصد است که مثلاً مدرع عامل سازمان برنامه ایران غالباً در جلسات کمیته اقتصادی شرکت میکند.

۵ - شورای عالی این شورای به امور فنی و کارهای عملی پیمان رسیدگی میکند؛

۶ - مؤسسه علوم انسانی سنتو وظیفه این مؤسسه تهیه کادر علمی برای سازمانتهای

سومین باری بود که جلسات این شورا در تهران برگزار میگردد.

کمیته های دائمی سنتو عبارتند از:

۱ - کمیته نظامی این کمیته هر سال یک یا دو بار بشرکت رؤسای ستاد فرماندهان کل ارتش های کشورهای عضو تشکیل جلسه میدهد و درباره برنامه مانورهای هوایی و زمینی و دریائی و سیستم با آگاههای نظامی و چگونگی تسلیحات ارتش های عضو طبق صوابدید ستاد های ارتش امریکا و انگلیس تصمیمات لازم اتخاذ میکند. مثلاً آخرین جلسه کمیته نظامی سنتو که در فروردینماه ۱۳۴۴ در لندن تشکیل شد ضمن اعلامیه ای اطلاع داد که «بیزوهای نظامی ایران و پاکستان مشابه نیروهای نظامی ناتو نخواهند شد».

۲ - کمیته «ضد تخریب» وظیفه اساسی این کمیته همانطور که در ماده سزی و پروتوکل بیوست پیمان سنتو تصریح شده مبارزه علیه جنبش های آزادی بخش ملی در خاور میانه و نزدیک و هماهنگی ساختن اشکال مختلف این مبارزه در هر یک از کشورهای عضو است.

۳ - کمیته روابط وظیفه این کمیته تبادل انواع اطلاعات میان کشورهای عضو و در واقع تهیه اطلاعات جناسم از باره جویان

۱ - ارتباط زمینی پیمان سنتو با سایر حلقات زنجیر بلوکهای امپریالیستی یعنی بلوک ناتو در آتلانتیک شمالی و بلوک ستو در جنوب خاوری آسیا بطریق زیر تأمین میشود: از طریق راه آهن سراسری ایران که بوسیله قطعه راه آهن تبریز - قظور به ترکیه وصل میشود. این قطعه راه آهن که ساختن آن برای ایران مبلغها دلان خرج بر مقدار نا سان ۱۹۶۷ تخانه خواهد افت. بوجه پروژه پیمان قزاق است سپس راه آهن ایران به راه آهن پاکستان وصل شود. در اعلامیه

سخنان يك انقلابی و متفکر برجسته

شیخ محمد خیابانی، انقلابی، خطیب و متفکر برجسته اجتماعی قیام تبریز را تحت شعار تأمین حکومت ملی و دموکراتیک برای ایران علیه استعمار پللیان و حکومت مترقی مرکزی برپای داشت. قیام تبریز در شهریورماه ۱۲۹۹ با قتل فجیع پیشوای آرت سرکوب شد. ولی تکنانی که سخنرانیهای پر شور و پر مغز خیابانی نه فقط در آذربایجان بلکه در سراسر ایران بوجود آورده بود اثرات خود را تا دیری محفوظ داشت. نطقهای خیابانی در طی قیام مجموعه ای از بیانات حکیمانه و شور انگیز یک انقلابی يك سوشلیک بینا و مؤمن به راه و هدف خویش و بخشی از گنجینه زرین آثار تفکر مترقی و انقلابی مردم ماست. ما چلاتی چند از بیانات خیابانی را بمناسبت سالگرد حکومت وی در اینجا نقل میکنیم.

هدف قیام تبریز

قیام تبریز برای تأسیس يك حکومت دموکراتیک و آزادی است... قیام تبریز يك علاقه جوهری با تمام شهرها و نقاط ایران دارد... قیام تبریز مدل خواهد داشت که در ایران يك افکار عمومی و يك اراده ملی وجود دارد.

موطن آزادخواهان

کاهه ها و امثال بزرگ و کوچک کاهه ها از شرق و غرب و شمال و جنوب ایران سر زدند. سر پای ایران موطن مقدس آزادخواهان است.

فرزندان قرن

ما میگوئیم: عدالت، مساوات، آزادی. در يك قرن مختصر و مفید. ما میخواهیم فرزندان قرن خودمان باشیم.

ایران از آن ایرانی است

در مسلک ما ایران مال ایرانیان است. یعنی ایران دموکراتیک مال دموکراسی ایران است.

تغییر کمونیسیم از خطر تلاشی نجات دهند. «تهدید کمونیسیم» در این دوره اجلاس نیز مثل سایر دوره های اجلاس شورای وزیران ستو ترجیح بند تمام سخنرانیهای نمایندگان رسمی آن بود. دین زاسک در سخنرانی خود گفت: «کشورهای عضو ستو متقاعد شده اند که تهدید کمونیسیم در خاور میانه واقعیت دارد و يك تهدید دامنه دار و مداوم است». زاسک افزود که «مادام که تهدید تجاوز کمونیستها وجود دارد سراسر سازمان ستو لازم است». مایکل استوارت وزیر خارجه انگلیس گفت: «دولت انگلیس ستو را بهترین عامل برای حفظ ثبات در خاور میانه میداند». (یعنی در واقع برای حفظ منافع اقتصادی و سیاسی و نظامی انگلستان). عباسعلی خلیفتری دبیر کل ستو نیز ضمن تکرار طوطی وار دعاوی از پایان امپریالیست خود در مورد «تهدید فعالتهای کمونیستی» بی اختیار عقیده اش را کید و برای جلب ترحم حامیان امپریالیستی رژیم شاه زبان به شکایت از برنامه های افشاگرانه رادپوی يك ایران گشود و گفت: «از این گذشته نمیتوان تبلیغات سوء و دامنه دار فرستنده های رادپوی متنبی کمونیستی را در خود این منطقه نادیده گرفت. تبلیغات مخرب آنان که در ظاهیر افکار مترقی و پیشرفته جلوه داده میشود منافع ملی، آزادی و تمامیت

سیر بشریت

سیر عمومی جهان بشریت بجانب آزادی است. هر ملت و جماعتی باید یابد بشود که در این وضعیت چه خط حرکت را اتخاذتواند نمود. آیا باید با جریان به خیال ضدیت و مخالفت افتاده مانند يك ذره بمقدار از میان برداشته و مضمحل شود، یا اینکه در استقامت طبیعی آن جریان براه افتاده و وارد سرنزول مقصود شود.

مزکریت و تشکیلات

هر گاه موفقیت و کامیابی مطلوب است، هر گاه خواسته شود که اقدامات و عملیات شروع شده با يك جریان صحیح منجر بشایع مغفده شوند، باید در کلیه امور يك نوع مزکریت را در نظر گرفته طوری کار کرد که مساعی مترقی، جمعا در گرد يك اساس مشترک تهر کسر پیدا نماید. با این ترتیب و رویه يك اقتصاد و صرفه جوئی بزرگ در همه چیز منظور گشته از ضایع شدن مجاهدات منفرد و جدا گانه جلوگیری بعمل خواهد آمد. انتظام و صیحت تشکیلات يك فرقه میتواند يك دلیل کافی تشکیل بدهد بر اینکه همان فرقه قادر است همان انتظام را حتی الامکان در مملکت نیز بوجود بیاورد.

تبری از خود اندیشی

در مواقع مهمه باید مسائل عادی را فراموش کرد، اساس کار و منافع عموم را در نظر گرفت. از خود اندیشی تبری و اجتناب نمود. باید فقط خیال و انگیزه صلاح عموم را بدل خود راه داد.

حق و غلبه

تجانی که در راه حق قدا میشود.

تعقیب میکند و با تلاشهای مذبوخانه خود برای حفظ این پیمان - میکوشد دول امپریالیستی را در نزاع مصنوعی اش با دولت جمهوری متحده عربی به پشتیبانی یش از پیش از خود وارد سازد.

پیمان عمران منطقه ای نمودار تازه ای از بحران ستو

مذاکرات تاستان سال ۱۳۴۳ در استانبول و عقد پیمان عمران منطقه ای میان سه دولت ترکیه - ایران - پاکستان نشان داد که پیمان ستو اعتبار خود را بکلی از دست داده است، اعضای این پیمان با توجه به تأثیرات منفی هم پیمانی با امپریالیستها در نظر گرفته اند بروی سیاست خود پوشش تازه بکشند تا هم تبعیت آشکار خود را از امپریالیسم مستور دارند و هم برای تثبیت وضع اقتصادی و سیاسی خود چاره تازه ای بیابند. هم اجتمالی دولتهای امپریالیستی را بپروا آوردن برخی توقات خود و اذار سازند. از طرف دیگر پیمان عمران منطقه ای را میتوان تلاشی دانست که امپریالیستها بدست مجدد رضا شاه و سایرین برای کشاندن کشورهایی نظیر عراق و افغانستان و غیره با این پیمان نو ساخته بعمل میآورند. مردم ایران خواستار اتحاد سیاست بطرفی نیستند. شرکت ایران در پیمانهای تجاوز کار

ممکن نیست مغلوبش ساخت

خطر غرور

غرور و اشتهاء که همیشه از نخستین موفقیتها بوجود میآید بزرگترین عامل ضلالت و گمراهی و بالاخره مؤثرترین علت عدم موفقیت و مغلوبیت است.

غرض رانی و نفسانیت

برای اینکه بتوانیم کاری را که بعهد گرفته ایم از یش بریم نیاز بصمیمیت داریم. باید غرض رانی و نفسانیت را ترک گوئیم.

دو نوع دیسیلین

دیسیلین اجباری، دیسیلین جبر و شدت، زور و فشار یابدان نیست. ولی دیسیلین وجدانی که ارواح را زیر اطاعت می آورد فنا ناپذیر و لایوت است.

اتحاد آزادخواهان

اتحاد آزادخواهان، علاقه و محبت آنان بهم، ضامن آزادی و استقلال ایران خواهد شد.

بقیه از صفحه ۶

مسئله آلمان

است... کارشناسان جمهوری دموکراتیک آلمان میتوانند در تجدید ساختمان کشور ما نقش مؤثری بعهده گیرند. میان دو ملت ایران و آلمان سوابق دوستی طولانی وجود دارد. نمایندگان جمهوری دموکراتیک آلمان میتوانند بنایه مناسبات نوینی را که مبتنی بر دوستی متقابل، همکاری و تعاون مشترک است، بنیان دهند. جمهوری دموکراتیک آلمان برخلاف آلمان غربی در کشور ما منافع استعماری ندارد، قصد تسلط بر سازمانهای اقتصادی و سیاسی ما را ندارد. ما میتوانیم با این کشور بهترین مناسبات دوستانه را داشته باشیم.

صرف نظر از عواقب وخیم دیگرتروابط کشور ما را با کشورهای همسایه و اکنون بویژه با کشورهای عربی تیره کرده است. شاه باستانست ضدمبلی خود روز بروز افکار جامعه کشورهای عربی را بیشتر علیه ایران بر میازد.

اکنون که بیش از دهسال از شرکت در این پیمانهای امپریالیستی میگذرد برای مردم ایران کاملاً روشن شده است که بر خلاف دعاوی رژیم شاه هم پیمانی با نیروهای امپریالیستی نه تنها به استقلال و حاکمیت ملی ایران کمک نمیکند بلکه این پیمانها خود بزرگترین خطر را برای استقلال و حاکمیت کشور ایجاد کرده است. هر سالگی که از شرکت ایران در این پیمانهای شوم بیشتر میگذرد تأثیرات سوء آن در شئون مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور ما شدیدتر میگردد. مین ما بر ستاخز عمیق در کله شئون حیاتی نیازمند است ولی ستانست ضد ملی رژیم موجود و شرکت در پیمانهای نظامی تجاوز کار از موانع اساسی در راه تحقق این آرمان ملی است. خروج از این پیمانها و اتخاذ سیاست بیطرفی مثبت یکی از شرایط اساسی تحقق این آرمان خواهد بود. مبارزه متحد و یکگیر در این راه وظیفه و فریضه ملی هر عنصر وطنخواه است. هر عنصری که در

